

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ناتان اشپریر
برگردان: شروین احمدی
۰۳ دسمبر ۲۰۲۳

آیا اقتصاد چین در بن بست است؟



تزرایج در واشنگتن که بر اساس آن جمهوری خلق چین اکنون یک قدرت رو به زوال است نیز قانع کننده به نظر نمی رسد. با وجود شرایط نامطلوب جمعیتی و بادهای مخالف ژئوپلیتیک (تحریمهای تکنولوژیک امریکا، افزایش حمایت‌گرایی)، اقتصاد این کشور همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد – با سرعتی کمتر از گذشته اما بالاتر از آنچه اقتصادهای غربی توانایی آن را دارند

مطبوعات غربی مرتباً با هیاهو پیش‌بینی می‌کنند که اقتصاد چین در آستانه فروپاشی است. حتی رد مداوم نظرات این پیشگوهای مدرن آنها را به داشتن احتیاط بیشتر در ارزیابی هایشان تشویق نمی‌کند. البته این به معنای آن نیست که چین از تشنج‌های آتی مصون است. بدون قرار گرفتن در آستانه ورشکستگی، امپراتوری میانه با دشواری‌های جدی مواجه است.

آیا ماشین اقتصادی چین در حال درج‌زدن است؟ این همان چیزی است که جریان مستمر تحلیل‌ها و نظرات بدبینانه و حتی هشداردهنده منتشر شده در طول سال ۲۰۲۳ بر آن تأکید دارد. برای آقای جوزف بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اقتصاد چین به یک بمب ساعتی می‌ماند (۱). هفته‌نامه اکونومیست با موضعی کمتر افراطی، روی جلد خود به

سادگی این سؤال را مطرح کرد: «Peak China؟» (آیا چین به انتهای دوران اوج خود رسیده است؟) (۱۳ مه). همین تعبیر سال گذشته، اما بدون علامت سؤال، در اثری با عنوان «منطقه خطر، منشأ درگیری آینده» مطرح شد که در واشنگتن بسیار مورد توجه قرار گرفت. به نظر نویسندگان این کتاب، هال برنرز و مایکل بکلی (۲)، متخصص علوم سیاسی، جمهوری خلق چین (PRC) اکنون شبیه یک قدرت «در حال افول اما مقاوم» است که جاه طلبی های شکست خورده اش، در سال های آینده به جنگ طلبی دامن می زند.

تصویری تاریک که بررسی آن را ضروری می کند، به ویژه از آنجایی که اقتصاد چین تاکنون بیش از چهار درصد رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) بین جنوری تا سپتمبر ۲۰۲۳ داشته است (یعنی بیش از ۵ درصد در سال ۲۰۲۳). پیش بینی های بدبینانه رسانه های غربی در مورد چین همواره آن فاجعه در حال وقوعی است که هرگز اتفاق نمی افتد (اصطلاح مار بحری در فرانسه). در دهه ۲۰۰۰، اقتصاد آن گویا با «تولید بیش از حد» تهدید می شد؛ در سال های ۲۰۰۹-۲۰۱۰، به دلیل بحران مالی جهانی و انقباض تجارت بین المللی در خطر بود؛ در ۲۰۱۶-۲۰۱۵، مازاد بدهی و فرار سرمایه کمر آن را می شکست. مگر عنوان سرمقاله لوموند در سال ۲۰۲۰ «چین: تَرَک برداشتن سرمایه داری دولتی» نبود (۳)؟ با این حال، بخش دولتی هرگز چنین ثروت فراوانی نداشته است: ۳۰۸.۳ تریلیون یوان (حدود ۴۰ هزار میلیارد یورو) دارایی شرکت های دولتی در بخش غیرمالی در پایان سال ۲۰۲۱. رقمی که تقریباً سه برابر تولید ناخالص داخلی چین (۴) و بیش از پانزده برابر تولید ناخالص داخلی فرانسه است. بر اساس گزارش بانک جهانی، اقتصاد چین بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ بیش از دو برابر شده است (۵).

پیش بینی های غیر قابل اعتماد در مورد افول اقتصاد چین، مثل بروز بحران و رکود، فقط فایده شان این است که به نخبگان غربی که آنها را تدوین و مطالعه می کنند، در مورد درستی نظراتشان اطمینان دهند. مگر نه آن که آنها امیدوارند که سناریوی جاپان دهه ۱۹۹۰ در مورد جمهوری خلق چین نیز تکرار شود؟ بسیاری از مردم در دهه ۱۹۸۰ تصور می کردند که قدرت صنعتی و مالی جاپان از ایالات متحده پیشی می گیرد Japan as Number ۱. «One» عنوان پرفروش ترین کتاب امریکا بود (۶). اما عواقب افزایش ارزش ین که توسط ایالات متحده تحمیل شد و

پس از آن، ترکیدن حباب املاک و سال های طولانی انقباض پولی، درستی چنین پیش بینی هائی را نشان نداد. اما بعید به نظر می رسد که امیدهای طرفداران غرب به این مشابَهت تاریخی، تأیید شود. چین یازده برابر بیشتر از همسایه خود جمعیت دارد و هنوز تا رسیدن به سطح توسعه جاپان در آن زمان فاصله زیادی دارد. علاوه بر این، ویژگی های ژئوپلیتیکی آنها کاملاً متفاوت است: یک رژیم کمونیستی که قاطعانه غیرمتعهد است از یک سو و یک متحد امن بلوک غرب از سوی دیگر. این به معنای انکار ضعف ها و آسیب پذیری های جدی چین در کوتاه مدت و بلند مدت نیست. با این حال، اینها را باید در چارچوب خودشان درک کرد.

اقتصاد کنونی چین، حد بسیار بالایی از کالائی سازی و دولت گزائی را با هم ترکیب می کند، امری که این ایده پذیرفته شده را زیر سؤال می برد که تضاد ذاتی بین بازار بیشتر و دولت بیشتر وجود دارد. اکثریت قریب به اتفاق کالاها و خدمات آزادانه فروخته و خریداری می شوند، از جمله نیروی کار انسانی (با قوانین کاری که بسیار کمتر از اروپا از زحمتکشان محافظت می کند) و برخی خدمات عمومی (مانند بهداشت). مالیات شخصی کم و توزیع مجدد ثروت محدود است و شکاف درآمد قابل توجهی وجود دارد. همین چند مورد کافی است تا نشان دهد که ما هزاران کیلومتر از مفهوم دولت اجتماعی یا دولت رفاه، فاصله داریم.

در عین حال، قدرت دولتی با زندگی اقتصادی در سطحی تنیده شده که در سرمایه داری کنونی غرب غیرقابل تصور است و بیشتر با مداخله گزائی فرانسوی «سی سال باشکوه» قابل مقایسه می باشد. تمام زمین های روستائی و شهری

تحت اختیار مقامات محلی است که به کشاورزان و شرکت های املاک و مستغلات حق استفاده از آن را اعطا می کند. در سال ۲۰۲۱، بیش از ۳۲۳ هزار شرکت (شرکت های مادر و تابعه) تحت کنترل دولت بود که در تمام سطوح اقتصاد و به ویژه در بخش های بالادستی (زیرساخت، انرژی، صنایع سنگین) و در امور مالی فعالیت دارند (۷). شرکت های خصوصی در عین حال که از دولت گرائی مسلط در چارچوب قراردادها، یارانه ها یا اعتبارات دولتی سود می برند، می توانند از آن آزار و اذیت بینند یا مورد انتقام جوئی قرار گیرند، همانطور که رفتاری که با آقای جک ما و گروه علی بابا که او ایجاد کرد، نشان می دهد (۸).

باید پیکربندی اقتصادی خاص چین را در نظر داشت تا بتوان دشواری های این کشور را شناسایی کرد و بین فشارهای اقتصادی کوتاه مدت که موجب پیش بینی های بحران می شود و برخی مشکلات پایدارتر که ترکیبی از مسائل جمعیتی، اشتغال و نوآوری است، فرق گذاشت.

دو عامل عملکرد ضعیف اقتصادی در سال ۲۰۲۲ و اوایل سال ۲۰۲۳ را توضیح می دهد: اثرات پس از همه گیری کووید و بحران املاک و مستغلات. در مورد اول، محدودیت ها در چین تا دسامبر ۲۰۲۲ به طور خودکار باعث کاهش فعالیت شد، آنهم در حالی که صادرات کالاهایی به دلیل از بین رفتن محدودیت کورونائی مصرف کنندگان غربی رکورد شکسته بود. در مورد دوم، انقباض در بازار املاک و مستغلات از آنرو بیشتر تأثیر گذار شد که این بخش سهم قابل توجهی از زندگی اقتصادی را برای دو دهه به خود اختصاص داده بود: تقریباً ۳۰٪ در دهه ۲۰۱۰، شامل فعالیت های ساختمانی (سیمان، فولاد و غیره) و پشتیبانی (فروش، مدیریت، نگهداری و غیره)، در مقایسه با ۱۵ تا ۲۰ درصد در اروپا (۹). مقامات محلی، سازندگان، بانک های دولتی و افراد مدت ها به این فعالیت روی آوردند و بدهکاری شکننده و بد کنترل شده ای را برای خود ایجاد کردند. با این حال، در اگست ۲۰۲۰، دولت مرکزی ابتکار عمل را در دست گرفت و جلوی دسترسی بدهکارترین گروه ها - اول و مهمتر از همه Evergrande - به برخی از اعتبارات را گرفت. این گروه نتوانسته بود بخشی از وام های خود را در سال گذشته بازپرداخت کنند (۱۰). طی سه سال، در واکنش به «اصلاح» بخشی که در تیررس مقامات بود، معاملات و سرمایه گذاری ها کاهش قابل توجهی یافت که منجر به انقباض رشد اقتصادی شد. باید دید مقامات تا چه حد آماده خواهند بود تا در سال های آینده به بدهی زدائی املاک و مستغلات و کاهش اثرات اقتصادی این بخش ادامه دهند.

فراتر از این مسائل، جمهوری خلق چین در حال تجربه دشواری های ساختاری بیشتری است که توانائی آن برای رسیدن به سطح ثروت پیشرفته ترین کشورهای غربی و آسیائی را زیر سؤال می برد. رشد اقتصادی از میانگین نرخ ۱۰ درصد در دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به ۷ تا ۸ درصد در دهه ۲۰۱۰ و سپس به حدود ۵ درصد در حال حاضر رسیده است. بر حسب دیدگاه ها، این ممکن است قابل ستایش و حتی حسادت انگیز به نظر برسد. اما باید دلایل مشخص این کاهش را که در طول زمان اتفاق می افتد، درک کرد.

«بریدن پیازچه»

در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، دو محرک اصلی عملکرد چین، انتقال نیروی کار از کشاورزی به مشاغل صنعتی و جبران عقب افتادگی در بهر موری بود: اقتصاد بازار در حال ظهور، استانداردهای جدیدی به سازمان های مولد، اغلب با درد، تحمیل کرد. با این حال، در طول دهه ۲۰۰۰، این دو عامل در جایگاه دوم قرار گرفتند، مهاجرت از روستا به شهرها به سطح نسبتاً پیشرفته ای رسید و با افزایش سطح توسعه، دستیابی به دستاوردهای بیشتر در بهره وری دشوارتر شد.

در نتیجه، برای حدود بیست سال، رشد بیش از هر چیز تکیه به عامل سوم، یعنی گسترش بی‌سابقه انباشت سرمایه فیزیکی (ساختمان‌ها، تأسیسات، تجهیزات) داشت. این در نرخ سرمایه‌گذاری بالای ۴۰ درصد از سال ۲۰۰۳ (در مقایسه با ۱۵ تا ۲۵ درصد برای اقتصادهای غربی) به ضرر رشد مصرف خانوارها دیده می‌شود. این انبوه سرمایه‌گذاری عمدتاً از طریق بدهی انجام می‌شد بدون این که همیشه عاقلانه جهت‌گیری شود: افراط سرمایه‌گذاری در بخش املاک برای نشان دادن این امر کافی است.

البته باید به مشکل جمعیت شناختی هم اشاره کرد. امروز مسلم است که نرخ پائین زاد و ولد چین - نرخ باروری ۱.۱ فرزند به ازای هر زن در سال ۲۰۲۲ علی‌رغم لغو سیاست تک‌فرزندی - روند کاهش جمعیت فعال را که از سال ۲۰۱۶ آغاز شد، تشدید خواهد کرد. می‌شد انتظار داشت که این کاهش تعداد افراد تازه به بازار کار، حرکت از روستاها به شهرها را تسریع کند و به نفع جوانانی باشد که در جست و جوی کار در مناطق شهری هستند و می‌خواهند به استخدام شرکت‌های صنعتی یا خدماتی درآیند که تقاضای کار در آنها وجود دارد.

با این حال، کاملاً به عکس مشاهده می‌شود: کاهش رشد کارگران مهاجر روستائی (مینگونگ) و بیکاری در میان جوانان ۱۶ تا ۲۴ ساله در مناطق شهری که از ۱۰ درصد در ابتدای سال ۲۰۱۹ به ۲۱ درصد در جون ۲۰۲۳ رسیده که آخرین آمار شناخته شده است، زیرا دولت انتشار آن را متوقف کرد. در شبکه‌های اجتماعی چین، نسل‌های جدید بیش از پیش خود را دلسرد نشان می‌دهند. رقابت تشدید شده اغلب «خود زنی» (nèi juǎn) توصیف می‌شود، یک اصطلاح رایج برای محکوم کردن اثرات اجتماعی مخرب رقابت شدید «همه علیه همه». همچنین گاهی اوقات از «بریدن پیازچه» (gē jiūcài) صحبت می‌شود که اشاره به یک گیاه خوراکی چینی است که پس از بریده شدن، به طور طبیعی رشد می‌کند: استعاره‌ای برای برجسته کردن ماهیت یکبار مصرف کار زبردست.

در واقع به نظر می‌رسد که اقتصاد هرچه کمتر توانائی جذب نیروی کار را دارد. در صنعت، این تا حدی با اتوماسیون و انتقال مداوم فعالیت‌های کم دستمزد و جذب‌کننده نیروی کار فراوان (اسباب بازی، منسوجات، مونتاژ کالاهای الکترونیکی) به سوی تولیدات سرمایه‌بر و نیازمند به نیروی کار کمتر (مثلاً باتری‌ها یا نیمه‌رساناها) توضیح داده می‌شود. بنابراین، پیشرفت تکنولوژی باعث رکود یا حتی کاهش جدی مشاغل صنعتی خواهد شد. در عین حال، نسل‌های جوان، مستقل از سطح تحصیلاتشان، هرچه کمتر آماده پذیرش زندگی کارخانه‌ای و تحمیلات روزمره آن (خوابگاه و غذاخوری در کارخانه به همراه ساعات طولانی کار) هستند.

مشاغل با اعتبار بخش خدمات، بین یقه سفیدها تقسیم شده است و تعداد مشاغل موجود برای ادغام جمعیت رو به افزایشی که تحصیلات عالی را ترک می‌کنند (۱۱.۶ میلیون فارغ التحصیل در سال ۲۰۲۳) کافی نیست. این بخش در عین حال مشاغل پست پرولتاریای خدماتی مانند پیک خانه پیشنهاد می‌کند که ساعات کار جهانی و بیش از حد سخت دارد و زندگی کاری بر روی موتورسیکلت و همراه با نفس نفس افتادن در بالا رفتن از پله‌ها می‌گذرد.

«به همین خیال باش»

بنابراین شاید دشواری‌های رودروی چین آن چیزی نیست که ما فکر می‌کنیم. سقوط مالی که بارها در رسانه‌های غربی پیش‌بینی شده است، بعید به نظر می‌رسد که به وقوع بپیوندد چون بیشتر طلبکاران (بیش از همه بانک‌ها) و بخش بزرگی از وام‌گیرندگان، بازیگران دولتی هستند که اقدامات آنها در صورت لزوم می‌تواند توسط مقامات هماهنگ شود (۱۱). تز رایج در واشنگتن که بر اساس آن جمهوری خلق چین اکنون یک قدرت رو به زوال است نیز قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. با وجود شرایط نامطلوب جمعیتی و بادهای مخالف ژئوپلیتیک (تحریم‌های تکنولوژیک امریکا،

افزایش حمایت‌گرایی)، اقتصاد این کشور همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد – با سرعتی کمتر از گذشته اما بالاتر از آنچه اقتصادهای غربی توانائی آن را دارند. «اصلاح» مستمر بخش املاک و مستغلات، در صورت تکمیل شدن، حتی می‌تواند موجب رشد با کیفیت تری با تکیه بیشتر بر پیشرفت فناوری و نوآوری‌های صنعتی تا ساخت بولدورها و بیل‌بلدورها شود. هزینه تحقیق و توسعه در حال حاضر ۲.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی چین (بیش از فرانسه) در مقایسه با ۰.۹ درصد در سال ۲۰۰۰ است.

«به همین خیال باش» پاسخی است که انسان و سوسه می‌شود به همه کسانی بدهد که نیروی محرکه اقتصادی را انکار می‌کنند که به اندازه اتحادیه اروپا و ایالات متحده ارزش افزوده صنعتی تولید می‌کند (۱۲). چه در زمینه اقتصاد سبز (انرژی‌های تجدیدپذیر، باتری‌ها) باشد یا فعالیت‌های تولیدی از قبل ایجاد شده (کالاها، سرمایه‌ی، الکترونیک)، ظرفیت تولید چین رو به کاهش نیست بلکه به عکس رو به افزایش است. رکورد کسری تجاری چین و اروپا به میزان ۳۹۶ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۲ یادآور این موضوع است.

پیچیدگی‌های مدل توسعه در جای دیگری نهفته است، به ویژه در ناتوانی یک ساختار اقتصادی در حال تغییر برای ایجاد مشاغل با کیفیت به اندازه کافی برای ارضای نیازها و آرزوهای نسل‌های جدید. این‌ها که آموزش و شایستگی بیشتری از والدین و پدربزرگ و مادر بزرگشان دارند، از بیکاری، بی‌ثباتی و ناامیدها در امان نیستند. اما این مشکلات که مربوط به تحصیل، اشتغال، سبک زندگی و همه اینها باهم است، مختص چین نیست.

۱- Michael D. Shear, « Biden Describes China as a Time Bomb over Economic Problems », New York Times, 11 août 2023. ۲- Hal Brands et Michael Beckley, Danger Zone : The Coming Conflict with China, W. W. Norton, New York, 2022.

۳- « Le Monde Économie », Le Monde, 30 avril 2012.

۴- « Rapport général du Conseil des affaires de l'État sur la gestion des actifs publics en 2021 », site internet de l'Assemblée nationale populaire, le 16 novembre 2022.

۵- Portail statistique de la Banque mondiale, <https://data.worldbank.org>

۶- Ezra Vogel, Japan as Number One : Lessons for America, Harvard University Press, Cambridge, 1979.

۷- Bureau national des statistiques de la Chine, <http://data.stats.gov.cn>

۸- مقاله «علی بابا، حماسه چینی»، لوموند دیپلماتیک، ماری <https://ir.mondediplo.com/2021/03/article3714.html> ۲۰۲۱

۹- Kenneth S. Rogoff et Yuanchen Yang, « Peak China Housing », Working paper 27697, National Bureau of Economic Research, Cambridge, Mass., 2020.

۱۰- Thomas Hale, « Beijing turns the screws on China's property sector », Financial Times, Londres, 26 janvier 2021.

۱۱- Nathan Sperber, « Une finance aux ordres. Comment le pouvoir chinois met le secteur financier au service de ses ambitions », Institut Rousseau, Paris, 5 décembre 2020.

۱۲- Statistiques de la Banque mondiale sur la valeur ajoutée manufacturière, <https://data.worldbank.org>

نویسنده: Nathan Sperber

منبع: لوموند دیپلماتیک